تغییر عقیده

به پیشرفت و ترقی در ورطه‏ای از تردید و شک‏ فرو افتاد".

او گفت:"نتیجه این شد که تکنولوژی‏ جدید در شرایطی قرار گرفت که پتانسیل‏های‏ فروپاشی را نیز با خود به همراه دارد".این‏ اظهارات موجب ترس و دلهره می‏گردند و از سویی به این نکته معطوف می‏شوند که یک‏ مثال خوب و ملموس برای این مطلب مهندسی‏ ژنتیک می‏باشد.

آقای پرو اضافه نمود که در بسیاری از حوزه‏ها ذهنیت ایمنی کامل در تلاش برای حذف‏ خطرهای تکنولوژی،محیطی و بهداشتی شکل‏ سیاسی به خود گرفته‏اند.در ضمن کنفرانس، مطالب طرح شده توسط آقای پرو از طرف‏ "جینی باکن‏"مدیرکل هیئت ایمنی و بهداشت‏ انگلستان مورد تاکید قرار گرفت.وی در این باره‏ اظهار داشت‏"ایمنی در حد کفایت‏"باید یک‏ هدف باشد.

به عنوان مثال در شبکه مترو لندن در نتیجه وقوع یک‏آتش سوزی،90درصد از بودجه‏ ایمنی و بهداشت حذف کردن فقط 3 در صد از خطر آتش سوزی شده که درازای عدم انجام‏ دیگر بهینه‏سازی‏های سیستم بکار گرفته شده‏ است.در جریان بحران BSE (آلودگی گوشت گاو) تعداد دام‏دارانی که به علت ورشکستگی که ناشی‏ از تحریم گوشت گاو بوده است خودکشی نموده‏اند بیشتر از افرادی است که بر اثر CPD مرده‏اند. آقای پرو همچنین در جای دیگری افزود: هدف پیشرفت و بهبود مداوم در تکنولوژی ایمنی‏ و مدیریت ایمنی سرانجام به تقاضایی برای ایمنی‏ صرف (Perse) سوق یافته است.صنعت،بیمه و مردم بایستی در یک چرخه تصمیم‏گیری مشترک‏ با یکدیگر همکاری کنند.پذیرفتن خطر صرفا در فضایی سرشار از اعتماد موثر و کارآمد می‏ باشد.

اگر پذیرفتن نظر فوق الذکر با این سوال که‏ "آیا می‏توانم مخاطرات را بر طرف کنم؟" قطعی شود،آیا زمان است که ما زمینه و مبنایی‏ را برای یک فرهنگ جدید ریسک دارا خواهیم‏ بود.

منبع: Insrance Day Tuesday March30 1999ṣIssue No 601,p.4.

تغییر عقیده

اگر پیشگویی‏های تحلیل‏گرانی‏ مانند آژانس تعیین اعتبار مودی‏ (Moody,s Ratings Agency) درست باشد،بخش بیمه بین المللی هنوز با دگرگونی‏های قابل‏ ملاحظه‏ای روبه‏رو می‏باشد.

طبق نظر Moody,s فرآیند ادغام در بازار بیمه اموال و حوادث اروپا احتمالا در سال‏های‏ آتی تحت فشار ناشی از رقابت فراینده،رشد ضعیف در بازارهای توسعه یافته،توجه بیشتر به توان مالی و افت کیفیت درآمدها در شرایطی که‏ در همان بازارها آزادسازی می‏شود،شتاب‏ بیشتری خواهد یافت.

این پیشگویی‏ها در نزد بازیگران آزموده‏ عرصه صنعت که احتمالا خود به شمار دیگری از عوامل مشوق ادغام‏ها از جمله نیاز به استفاده‏ از سرمایه مازاد،اشاره دارند،تعجب‏آور نخواهد بود.

اگرچه به‏نظر می‏رسد با چنین سطحی‏ از تغییرات،نیاز به توجه دقیق به تحولات‏ بازارهای داخلی وجود دارد ولی با این حال جالب‏ است که می‏توان روی این موضوع که آیا بیمه‏ گران شروع به بحث پیرامون مسائل وسیع‏تری که‏ ترسیم مجدد نقشه بیمه‏ها و بیمه‏های اتکایی‏ اروپا ایجاد می‏کند،کرده‏اند یا نه،شرط بندی‏ کرد.

برای مثال،وفاداری‏های تاریخی و جغرافیایی در دنیای جدید و گستاخ شرکت‏های‏ تجاری خصوصی‏سازی شده با سهامداران آزمند چه ارزشی می‏تواند داشته باشد؟ ممکن است به‏نظر رسد محلی که‏ تجارتی استقرار می‏یابد،به‏طور فراینده‏ای از ناحیه استحکام رشته‏های تجاری که می‏تواند در آنجا وجود داشته باشد،برانگیخته می‏گردد-و بدانجهت تا حدزیادی نظام مالی موجود در محل،انتخاب محل سرمایه‏گزاری‏های جدید را تحت تاثیر قرار می‏دهد.

این امر شدیدا توسط تحولات اخیر، مانند تصمیم فانداریا (Fandaria) به انتقال تمام‏ فعالیت‏های بیمه‏های اتکایی خود به دوبلین به‏ نمایش گذارده شده است.

همچنین تقاضاهای بازیگران آلمان برای‏ اصلاحات مالیاتی که اگر قرار است آن‏ها به‏ عملیات خود در آلمان ادامه دهند می‏بایست‏ تخفیف یافته و تعدیل شود این امر را به وضوح‏ نشان می‏دهد.

با همگرایی و تقارب امور بانکی و بیمه‏ آنگونه که در ایرلند پیشنهاد شده،آیا ادغام‏ چنین وظایف نظارتی معقول است؟

همه این موارد یک‏سری سوالات اساسی‏ هستند که چنانچه بیمه‏گران می‏خواهند مطمئن‏ شوند که برنامه حرکت‏های آینده خود را خواهند داشت و همچنین جهت حفظ موقعیت خود در آینده دارای روابط لازم خواهند بود.باید پرسیده‏ شود.

اما شاید مهم‏ترین سوال این است که‏ همان سرعت تغییرات جاری به این معنی است که‏ آیا مقامات عالی جهان بیمه آنچنان به جریان‏ ادغام‏ها مشغول می‏باشند که از موضوعات گسترده‏تر غافل مانده‏اند تا زمانی که دیگر برای‏ اقدام دیر شده باشد.

اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، خطرات واقعی این همگرایی می‏تواند بسیار وسیع‏تر از آنچه که خیلی‏ها درک می‏کنند، باشد.

منبع: Insurance Day,March30 1999,Issue No.601p.5.

بازار بیمه اتکایی در جهان

در سال 1997 بیمه‏گران مستقیم 124 میلیارد دلار حق بیمه(معادل 14 درصد حق‏ بیمه‏های مستقیم)از طریق واگذاری به بیمه‏گران‏ اتکایی پرداخت کرده‏اند که 83 درصد آن(معادل‏ 6/102 میلیارد دلار)در بیمه‏های غیر زندگی و 17 درصد مربوط به بیمه‏های زندگی و درمان‏ است.

از نقطه‏نظر جغرافیایی 74 درصد این رقم‏ مربوط به امریکای شمالی و اروپای غربی است و قاره‏های آسیا و اقیانوسیه با 1/12 درصد سهم‏ از حق بیمه‏های واگذار شده به دنبال این دو قرار دارند.در همین حال تنها 4 درصد از واگذاری‏ بیمه اتکایی در جهان به وسیله ژاپن انجام شده‏ است.

بین سال‏های 1990 1997 حق بیمه‏های‏ مربوط به بیمه اتکایی واگذاری در بیمه غیر زندگی‏ از 69 میلیارد دلار به 103 میلیارد دلار افزایش‏ یافته است که این افزایش معادل با 6/2 درصد رشد سالانه در حق بیمه‏های بازار این بخش است‏ که همچنان بیشتر از 7/1 درصد رشد سالانه حق‏ بیمه‏های مستقیم است.

در سال 1997 مناطق امریکای شمالی و اروپای غربی به ترتیب 4/43 و 8/33 درصد حق بیمه‏های مستقیم بخش غیرزندگی جهان را تولید کرده‏اند و کشور ژاپن با 9/8 درصد بیش‏ از مجموعه آسیا و اقیانوسیه(5/7 درصد)در حق بیمه‏های مستقیم غیرزندگی جهان سهیم‏ است.

طبق ارقام جدول 1 قاره‏های آسیا و اقیانوسیه با 6/22 درصد بیشترین درصد واگذاری حق بیمه‏های غیر زندگی را دارند و تنها 6/6 درصد از حق بیمه‏های مستقیم بخش‏ غیر زندگی در ژاپن واگذار شده است.

در جدول 2 تقاضای بیمه اتکایی در سال‏ 2010 پیش‏بینی شده است.طبق ارقام این جدول‏ قاره‏های آسیا و اقیانوسیه حدود 17 تا 24 درصد حق بیمه‏های خود را از طریق بیمه اتکایی‏ وگذار خواهند کرد و رقم واگذاری در ژاپن، امریکا و اروپا از 5/8 تا 5/13 درصد حق‏ بیمه‏ها فراتر نخواهد رفت.

منبع:اداره بررسی‏های آماری بیمه مرکزی ایران به نقل از منابع خارجی.